

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته علوم سیاسی

موضوع:

بررسی تطبیقی مفهوم سنت در اندیشه سیاسی نصر و شایگان

و کاربرد آن در جامعه سیاسی ایران

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر انشاءالله رحمتی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید علی مرتضویان

پژوهشگر :

محمد دلاوری

سال تحصیلی:

تابستان ۹۱

تقدیم به آنان که این کورسوی فانوس فهم در خانه جانم را مدیون آنانم

دکتر علی شریعتی  
دکتر عبدالکریم سروش  
استاد مرتضی مطهری  
دکتر سید حسین نصر  
دکتر داریوش شایگان  
دکتر مصطفی ملکیان  
دکتر بهاء الدین خرمشاهی  
دکتر حسین بشیریه  
دکتر محمود سریع القلم  
دکتر رضا داوری اردکانی  
عباس زریاب خویی

#### به نام خدا

بسیار بخت یار بودم که در این پژوهش، استاد به نام فلسفه و مترجم برجسته آثار جناب آقای دکتر نصر، جناب آقای دکتر رحمتی راهنمایی این پایان نامه را مهربانانه تقبل فرمودند و همچنین مفتخر شدم که یکی از استادان برجسته اندیشه سیاسی جناب آقای دکتر مرتضویان مرا از مشورتهای ارزنده خویش بهره مند فرمودند که از این بابت بی نهایت شاکر و سپاسگزارم و قدردانی میکنم از جناب آقای دکتر خسروی ریاست محترم دانشکده حقوق و علوم سیاسی که مرا مفتخر کردند و داوری این پژوهش را پذیرفتند همچنین سپاسگزارم از جناب آقای دکتر محمود سریع القلم، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، جناب آقای دکتر توحیدفام عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، جناب آقای دکتر پورحسن عضو هیئت علمی دانشگاه علامه، جناب آقای دکتر کوشکی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر مجیدی عضو محترم هیئت علمی دانشگاه امام صادق و جناب آقای شجاعی کارشناس ارشد فلسفه به خاطر راهنماییهای ارزنده ای که در انتخاب و تنقیح این موضوع در حق من روا داشتند همچنین از همسرم سرکار خانم مدنی و پسرم محمد صدرا سپاسگزارم که در طول تحصیل و تدوین پایان نامه مشفقانه یار و همراه من بودند.

## تعه‌نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجان‌ب محمد دلاوری دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۹۰۶۶۶۳۶۸۰۰ در رشته علوم سیاسی در تاریخ ۹۱/۰۶/۰۴ از پایان نامه خود تحت عنوان بررسی تطبیقی مفهوم سنت در اندیشه سیاسی سید حسین نصر و داریوش شایگان و کاربرد آن در جامعه سیاسی ایران با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجان‌ب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجان‌ب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۰۶/۰۴

محمد دلاوری دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به  
حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات طرح	
۱-۱ بیان مسئله.....	۲
۲-۱ اهمیت موضوع و انگیزه های انتخاب آن.....	۳
۱-۲-۱ پرسش از سنت و مدرنیته.....	۴
۲-۲-۱ نسبت میان اسلام و مدرنیته.....	۵
-اسلام بنیاد گرایانه.....	۶
-اسلام تجدد گرایانه.....	۶
-اسلام سنت گرایانه.....	۷
۲-۱ اهداف تحقیق.....	۸
۳-۱ سؤال و فرضیه.....	۹
-سوال اصلی پژوهش.....	۹
-فرضیه اصلی پژوهش.....	۹
- پرسشهای دیگر.....	۹
۴-۱ مدل و روش تحقیق.....	۱۰
۵-۱ تعاریف عملیاتی و واژه های کلیدی.....	۱۰
۶-۱ پیشینه تحقیق.....	۱۴

## فصل دوم : بررسی مفهوم سنت در اندیشه سیاسی سید حسین نصر

پیشگفتار.....	۱۷
بخش اول : سنت در اندیشه سید حسین نصر.....	۲۰
۱-۱-۲ معنای سنت.....	۲۰
۲-۱-۲ انسان سنتی در مقایسه با انسان مدرن.....	۲۳
۱-۲-۱-۲ نقد انسان مدرن.....	۲۴
۲-۲-۱-۲ نقد انسان شناسی مدرنیته.....	۲۷
۳-۲-۱-۲ حق و تکلیف انسان از منظر سنت و مدرنیته.....	۲۸

۲۹	۴-۲-۱-۲	مهمترین حقوق انسان از منظر سنت
۳۱	۲-۱-۲	معرفت شناسی سنت
۳۴	۱-۲-۱-۲	سیر شکل گیری معرفت شناسی مدرن
۳۷	۳-۱-۲	هستی شناسی سنت
۴۰		بخش دوم : جایگاه سنت در اندیشه سیاسی سید حسین نصر
۴۱	۱-۲-۲	دین از منظر نصر و نسبت آن با سنت و مدرنیته
۴۴	۱-۱-۲-۲	سکولاریسم و سنت گرایی
۴۸	۲-۲-۲	مدرنیته از نگاه نصر
۴۹	۱-۲-۲-۲	پیامدهای مدرنیته
۵۱	۲-۲-۲-۲	مدرنیسم و طبیعت
۵۲	۳-۲-۲	آزادی در فلسفه سید حسین نصر
۵۳	۱-۳-۲-۲	آزادی در فلسفه سیاسی سید حسین نصر
۵۴	۴-۲-۲	بنیادگرایی از منظر سنت گرایی
۵۶	۱-۴-۲-۲	جنگ و جهاد
۵۶	۵-۲-۲	نظام سیاسی مطلوب از نگاه نصر
۵۹	۱-۵-۲-۲	مولفه های حکومت نامطلوب
۶۰	۶-۲-۲	نظریات ایجابی نصر ؛ چه باید کرد
۶۱	۱-۶-۲-۲	پیشنهاد های نصر برای جوامع شرقی و ایران
۶۳	۲-۶-۲-۲	چه نباید کرد

### فصل سوم : بررسی مفهوم سنت د راندیشه سیاسی دکتر داریوش شایگان

۶۶		پیشگفتار
۶۸		بخش اول : سیر تطور اندیشه فلسفی
۶۹	۱-۱-۳	چهار دوره اندیشه فلسفی
۷۱	۲-۱-۳	ویژگیهای ماهیت شناسی اندیشه فلسفی
۷۲		بخش دوم : واکاوی مختصات تمدنهای آسیایی و جایگاه سنت در این تمدنها
۷۲	۱-۲-۳	سنت و شرق

- ۲-۲-۳ ماهیت هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تمدنهای آسیایی ..... ۷۳
- ۳-۲-۳ مبداء ، طبیعت و انسان در شرق و غرب ..... ۷۵
- بخش سوم : مدرنیته و تمدنهای آسیایی ..... ۷۷
- ۳-۳-۱ هویت انسان و جهان مدرن ..... ۷۷
- ۳-۳-۲ حرکت بازگشت‌ناپذیر مدرنیته ..... ۸۲
- ۳-۳-۳ وضعیت کنونی تمدنهای غربی ..... ۸۳
- بخش چهارم : هویت جهان امروز ..... ۸۸
- ۳-۴-۱ مدرنیته و هویت چهل‌تکه ..... ۹۰
- ۳-۴-۲ معرفت‌شناسی جهان امروز ..... ۹۲
- بخش پنجم : مختصات فرهنگ شرق و ایران از نظر شایگان ..... ۹۴
- ۳-۵-۱ رویارویی سنت و تجدد در شرق ..... ۹۵
- ۳-۵-۲ جهان اسلام در رویارویی با مدرنیته ..... ۹۷
- بخش ششم : چه باید کرد ؟ ..... ۱۰۱
- ۳-۶-۱ معنویت سکولار ..... ۱۰۱
- ۳-۶-۲ شکل مطلوب حکومت ..... ۱۰۲
- ۳-۶-۳ راههای پیشنهادی شایگان برای جوامع آسیایی و ایران ..... ۱۰۴

#### فصل چهارم : مقایسه مفهوم سنت در اندیشه سیاسی نصر و شایگان و بررسی کاربردها

- پیشگفتار ..... ۱۱۳
- بخش اول : مقایسه مفهوم سنت و مدرنیته به روایت سید حسین نصر ..... ۱۱۴
- ۴-۱-۱ مقایسه معرفت‌شناسی سنت و مدرنیته ..... ۱۱۴
- ۴-۱-۲ مقایسه هستی‌شناسی سنت و مدرنیته ..... ۱۱۵
- ۴-۱-۳ مقایسه انسان‌شناسی سنت و مدرنیته ..... ۱۱۶
- ۴-۱-۴ مصائب و ریشه مشکلات انسان معاصر ..... ۱۱۷
- بخش دوم : مقایسه مفهوم سنت و مدرنیته در اندیشه داریوش شایگان ..... ۱۱۹
- ۴-۲-۱ انسان ، هستی و معرفت در سنت و مدرنیته ..... ۱۱۹
- ۴-۲-۲ هویت انسان ، فرهنگ و تمدن معاصر ..... ۱۲۱



- ۳-۲-۴ آسیب شناسی تمدنهای شرق و راه گریز ..... ۱۲۳
- بخش سوم : مقایسه مفهوم سنت در اندیشه نصر و شایگان..... ۱۲۵
- ۱-۳-۴ مقایسه معرفت شناسی ، انسان شناسی و هستی شناسی نصر و شایگان..... ۱۲۵
- ۲-۳-۴ نقطه عطف اختلاف جهان بینی فلسفی نصر و شایگان ..... ۱۲۷
- ۳-۳-۴ مقایسه آسیب شناسی و راههای پیشنهادی نصر و شایگان ؛ چه باید کرد ..... ۱۲۸
- بخش چهارم : مقایسه ماهیت شناسی بینش فلسفی سید حسین نصر و داریوش شایگان ..... ۱۳۰

### فصل پنجم : نتیجه و ملاحظات انتقادی

- ۱-۱-۵ جهان بینی سید حسین نصر ..... ۱۳۲
- ۲-۱-۵ ملاحظات انتقادی درباره اندیشه نصر ..... ۱۳۳
- ۳-۱-۵ جهان بینی داریوش شایگان ..... ۱۳۶
- ۴-۱-۵ ملاحظات انتقادی در حوزه اندیشه شایگان ..... ۱۳۷
- ۵-۱-۵ نتیجه گیری و داوری ..... ۱۳۸

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۴۷.....	۱-۱ دین و سکولاریسم به روایت سید حسین نصر.....
۵۶.....	۲-۱ تفاوت بنیاد گرایی و سنت گرایی به روایت سید حسین نصر.....
۱۱۴.....	۱-۴ مقایسه مفهوم سنت و مدرنیته در اندیشه نصر.....
۱۱۵.....	۲-۴ مقایسه معرفت شناسی سنت و مدرنیته در اندیشه نصر.....
۱۱۶.....	۳-۴ مقایسه هستی شناسی سنت و مدرنیته در اندیشه نصر.....
۱۱۷.....	۴-۴ مقایسه انسان شناسی سنت و مدرنیته در اندیشه نصر.....
۱۱۸.....	۵-۴ مصائب بشری و راه گریز از مشکلات در نگاه نصر.....
۱۱۹.....	۶-۴ مقایسه مفهوم سنت و مدرنیته در اندیشه شایگان.....
۱۲۰.....	۷-۴ انسان ، هستی و معرفت در سنت و مدرنیته به روایت شایگان.....
۱۲۲.....	۸-۴ هویت انسان ، فرهنگ و تمدن معاصر در اندیشه شایگان.....
۱۲۳.....	۹-۴ آسیب شناسی فرهنگ ها و تمدن های آسیایی.....
۱۲۴.....	۱۰-۴ راههای پیشنهادی برای تمدن های آسیایی.....
۱۲۵.....	۱۱-۴ مقایسه مفهوم سنت در اندیشه نصر و شایگان.....
۱۲۶.....	۱۲-۴ مقایسه انسان ، جهان و معرفت در اندیشه های نصر و شایگان.....
۱۲۹-۱۲۸.....	۱۳-۴ مقایسه آسیب شناسی تمدنهای شرق به روایت نصر و شایگان.....
۱۳۰.....	۱۴-۴ مقایسه ماهیت شناسی اندیشه فلسفی نصر و شایگان.....

# فصل اول

## کلیات طرح

## ۱-۱ بیان مسئله

تسلط فضای فکری مدرنیته بر جامعه سیاسی ایران، عمری به درازای ورود مدرنیسم به جامعه ما دارد و واکنش‌ها و تحولات فکری و عملی حاصل از این تسلط در تاریخ معاصر ایران به حدی عمیق است که کمتر مفهوم و مقوله و ساختاری را در حوزه سیاست، فرهنگ، اقتصاد و مسائل اجتماعی، میتوان بدون در نظر گرفتن آن بررسی کرد.

بینش فلسفی، رهیافت معرفت‌شناسانه، نگاه هستی‌شناسانه و تعریف دیگرگونه از انسان در پارادایم مدرنیته، گسست معرفتی عمیقی را در ایران به معنای خاص و در تمامی تمدنهای آسیا و شرق حاصل و فکر فلسفی ایران و فضای روشنفکری تمام این سالها را مستقیم و غیر مستقیم به واکنش وادار کرد.

در میان این واکنشها به مدرنیته، چهار رهیافت و گرایش، نمود معین تری داشته است، دو رهیافت که تحت لوای مدرنیته رشد کردند که **چپ کمونیست** و **راست لیبرال** نام گرفته‌اند و دو رویکرد واکنشی و انتقادی **مذهبی و سنت‌گرا**

مسئله این پژوهش در شکل کلی، مسئله یک سده اخیر ایران است که در مواجهه با مدرنیته چه باید کرد و برای گشودن این گره دیرینه از چه ابزاری باید بهره جست؟ به این پرسش هم معتقدان مدرنیته پاسخ‌های فراوان دارند و هم نوگرایان مذهبی که کوشیده‌اند تعبیری تجدید پسند، دموکراتیک و نوگرایانه از مذهب ارائه کنند و هم سنت‌گرایان تجدید ستیز به این پرسش پاسخ دیگرگونه داده‌اند، از میان تمام این گفتمانها آنچه مسئله دقیق این پژوهش است، آن است که سید حسین نصر و داریوش شایگان که همدلی آنان با سنت وجه مشهور اندیشه ورزی آنان است چه تعریف و تصویر و تفسیری از مدرنیته میدهند و اگر سنت را بن‌مایه فلسفه آنان بدانیم، این دو اندیشمند ایرانی با چه تعریفی از سنت با مدرنیته و جنبش روشنگری اروپایی رویارو شده‌اند؟ و میان این دو در این تفسیر و تحلیل‌ها چه تفاوت و تشابهی وجود دارد

مسئله این است که سنت به عنوان میراث کهن تمدنهای آسیایی و از جمله ایران چه سهمی در گره‌گشایی از این مسئله دارد.

## ۱-۲ اهمیت موضوع و انگیزه های انتخاب آن

مدرنیته جدای از تمام مختصات مفید و مضر، اختلال در آداب و رسوم مالوف جوامع شرقی و به طور خاص جامعه ایران را پدید آورده است و گذشته از تمامی علل موجه یا ناموجه، هراس از این اختلال از جمله زمینه های اجتماعی و فرهنگی مکاتب انتقادی از جمله سنت گرایی بوده است. سنت گرایی؛ راه گریز مالوف و مطلوبی است که به مذاق انسان شرقی خوش تر میاید و باور درونی این است که اگر بتوان گره های جهان جدید را با تمسک به میراث اصیل گذشته گشود، امنیت خاطر بیشتری نصیب جامعه خواهد شد.

اگر جوهر تجدد و روشنگری را بتوان در مفاهیم بنیادینی چون فردگرایی، عقل گرایی، نسبییت ارزش ها، کثرت گرایی، لیبرالیسم، تساهل، اومانیسم و اصالت حاکمیت مردمی یافت، در آن صورت جنبش های ضد روشنگری در اشکال مختلف خود به طور کلی و سنت گرایی تجدد ستیز به ویژه، حامی انضباط اجتماعی، ضدیت با عقل به شیوه های رمانتیکی، مطلق گرایی ارزشی، حصر فرهنگی، تخبه گرایی و اقتدارطلبی هستند. سنت گرایان تجدد ستیز در انواع گوناگون خود در واقع محافظه کارانی هستند که خویشان را در جهانی دشمن صفت و نامانوس می یابند و در گریز از آزادی مدرن به دامن امنیت سنتی در می آویزند (بشیریه، ۱۳۸۲، ۷۲۰)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رویکرد تجدد ستیز در قالب گرایشهای مذهبی، گرایشهای چپ و سنت گرا تعیین و گسترش یافت و با تحلیل گفتمان این انقلاب میتوان نشانه های هر سه این گرایش ها را نشان داد، اما در این میان گرایش سنت گرا امکان نمود و نفوذ بیشتری داشته است زیرا نسبت آن با چارچوبهای مذهبی نسبت شکل یافته تری است و در عین حال میتواند با رویکردهای متنوع سیاسی و فرهنگی که در ایران وجود دارد احساس همدلی پدید آورد

به اعتقاد نگارنده اگر نظام سیاسی ایران در دهه آینده عزم بر رویارویی با مدرنیته را همچنان در سر داشته باشد، احتمال بهره گیری از بینش و روش و نگرش در فلسفه های سنت گرا فراوان است چنانکه هم اکنون نیز با بازکاوی اظهارات دولتمردان ایرانی، نشانه های استفاده و گاه سوء استفاده از این پارادایم را میتوان مشاهده کرد. جدای از انگیزه های سیاسی و تاثیر این جریان بر جریانهای حال

و آینده سیاسی در ایران ، مدرنیته ذهن هر پژوهشگری در حوزه فلسفه سیاست را به خود مشغول میکند ، چرا که به یقین به هیچ یک از پرسشهای مهم در حوزه علوم اجتماعی نمیتوان پاسخ درستی داد پیش از آنکه به نسبت سنت و مدرنیته در ایران به عنوان یک مفروض ، پاسخ روشنی داد . در حقیقت پاسخ تمام این پرسشها متوقف به این پاسخ است ، پرسشهایی از این قبیل :

- کدام الگوی توسعه در ایران میتواند موثرترین و برترین الگو باشد ؟

- آیا توسعه به معنای انباشت ثروت نسخه ای است که میتواند برای جامعه ایران تجویز مناسبی باشد؟

- دموکراسی در جامعه ایران تحقق مییابد ؟ و آیا تحقق دموکراسی پدیده مطلوبی است ؟

- نسبت میان دین و توسعه چیست ؟

- نسبت کاریزما و قدرت در جامعه ایران چگونه معنا میشود ؟

- موانع شکل گیری احزاب سیاسی در ایران چیست ؟

و پاسخ به هزاران پرسش از این دست متوقف به این است که با چه تعریفی از سنت و مدرنیته به

سراغ این پرسشها آمده ایم و مفروضات ما در این میان چه بوده است ؟

### ۱-۲-۱ پرسش از سنت و مدرنیته

نوبت به پاسخ به این پرسش بزرگ که میرسد ، حتی در حوزه سنت گرایی ، یکی امر به بازگشت میکند و دیگری سنت را در ادامه سنت فلسفی غرب و تاریخ فلسفه یونان ، به پست مدرنیسم پیوند میزند که به نظر میرسد چراغ راه باریک و تاریک نسل نو نباشد ، و در این میان ه البته پرسشها یکی

### پس از دیگری پدیدار میشود

از سویی دیگر وقتی از سنت پرسش به میان میاید در کنار خود این پرسش را نیز به وجود می آورد که آیا پرسش از سنت به معنای آن نیست که دروان جلال و شکوه سنت پایان یافته است ؟ و آیا اصولا پرسش از سنت امری مدرن نیست ؟ و پاسخ این است که چنین است ( طباطبایی ، ۱۳۷۴ ، ۶۲-۶۳ ) و البته اگر چنین باشد هم ، سنت خویش را در برابر خویش نهاده و از خویش پرسش میکند و خود را به بوته نقد میبرد که این خود اتفاق نامبارکی نیست و از قضا توسل به یکی از خصایل نیک مدرنیته در فهم فلسفه خویش است و البته که پرسشها بی پایان است و اصولا میل به

رسیدن به پاسخ قطعی میلی منتج از سطحی ترین لایه های سنت است که دوران آن بی شک پایان یافته حتی اگر فرآورده های آن موجود باشند

اکنون ما به عنوان پژوهشگران نوپا در میان دو کشش مهیج یعنی مدرنیته و فرآورده ای آن و سنت و تعلقات عمیق تاریخی و فرهنگی آن در وضعیت سرگردانی به سر میبریم و جز ما ، فضای سیاسی و فرهنگی و روشنفکری نیز در چنین وضعی به سر میرد

با این وصف ، ضرورت و اهمیت بحث باید روشن باشد چرا که گریزی نیست که در همین دایره و بر همین منهج ممکنات تفلسف در حوزه سنت را مرور کنیم که شاید از میانه این مباحثات نوری بر پرسشهای همواره پابرجای ما تابانده شود

### ۱-۲-۲ نسبت میان اسلام و سنت

البته افزودن این توضیحات مفید است که در نگاهی کلی تر به تاریخ و جغرافیای سنت میتوان گفت که تا پیش از آغاز مدرنیته ، پیدایش انقلاب صنعتی ، تکنولوژی ، مفاهیم پیشرفت ، اصالت زمان ، نفی سکون و ثبات و اصالت انسان و اهمیت من دکارتی ، انسان در وضعیتی زندگی میکرد که امروزه آن را سنت مینامند ، لذا سنت به این معنا که در این پایان نامه مورد نظر است مترادف با دین یا مذهب خاصی نمیشود بلکه دین و مذهب را نیز شامل میشود

به یک معنا نیز میتوان گفت که سنتگرایی واکنش به آسیب های ناشی از مدرنیته و در کنار مکتب پست مدرن به عنوان یک مکتب انتقادی قرار میگیرد

این جریان در قرن بیستم با رنه گنون ( rene guenon ) آغاز شد و آناندا کوماراسوامی ، حکیم سیلانی و فریتهوف شووان سوئیسی شکل گرفت . در میان این سه تن گنون و شووان مسلمان هستند و آثار آنان قرابت بیشتری با تعالیم اسلامی دارد و کوماراسوامی مسلمان نیست و آثار او بیشتر در حوزه هنرهای سنتی است

پس از این سه تن تیتوس بورکهارت ، مارکو پالیس ، مارتین لینگنز و سید حسین نصر در رتبه دوم اهمیت قرار دارند . در میان این چهار تن هم بورکهارت ، لینگز ، و نصر مسلمان هستند

در میان سنت گرایان برتری ماوراءالطبیعه ، وجود سلسله مراتب در هستی ، نقش مهم عقل شهودی و وحی در آثار همگی این متفکرین یافت میشود

این ویژگیها در سید حسین نصر یعنی ، مسلمانی ، شیعه بودن و تفکر در حوزه مسائل ایران انگیزه را برای بررسی آراء او افزایش میدهد ، داریوش شایگان نیز علاوه بر این ویژگیها تعلقات سنتی دارد و در فضای مدرن نیز تامل کرده و مدرنیته هم از نظر او مردود نیست لذا آراء ایشان نیز قابل تامل و بررسی است

علاوه بر این نصر و شایگان هر دو کتابها ، مقالات و مصاحبه های متعدد و کرسیهای مهم تدریس در خارج ایران داشته اند و آثار آنان تاثیر جدی در فضای روشنفکری و دانشگاهی ایران داشته است این ادعا هرچند نیاز به اثبات دارد اما میتوان گفت بخشی از گفتمان سیاسی ایران که رویکرد بازگشت به سنت و انکار کلیت مدرنیته را دارد به نحوی تحت تاثیر اندیشه های سید حسین نصر است و همچنین ایده گفتگوی تمدنها که که رییس جمهور سابق ایران سید محمد خاتمی به آن مشهور شد پیش از آن از سوی داریوش شایگان مطرح شده بود لذا تاثیرات جدی این دو متفکر در سیاست و فرهنگ ایران قابل انکار نیست و همین بر اهمیت و ضرورت بررسی آراء آنان می افزاید و از آن رو که نصر و شایگان هر دو مسلمانند و در تبیین سنت ، هر چند معنای فرادینی از آن دارند ، با این حال اسلام به عنوان محور اندیشه آنان همواره رخ نمایی میکند و خوب است برای روشن شدن سنت در دایره اندیشه اسلامی به این مهم اشاره شود که به یک روایت سه جریان عمده در اسلام میتوان شناسایی کرد

**اسلام بنیادگرایانه :** نص گرا و نقل گراست ، برای عقل استدلال گر اعتبار تعیین کننده ای قائل نیست ، شریعت اندیش است و بر روحانیت احکام شریعت و فقه تاکید می ورزد ثالثا برای تاسیس جامعه ای همطراز با موازین فقه و شریعت می کوشد و با ملاحظه موانع پیش روی این کوشش ، با اغلب حکومت های حاکم ، اختلافات جدی دارد رابعا ضمن انکار تکثرگرایی دینی ، به تکثرگرایی سیاسی علاقه ای نشان نمی دهد و دین و حکومت دینی را برآورنده کلیه نیازهای انسان به شمار می آورد

**اسلام تجدد گرایانه :** عقل گرا ، تعبد گریز ، و آزاد اندیش بوده و عقل استدلال گر را مانند کتاب و سنت منبعی برای کشف حقیقت میدانند ثانيا در پی اقامه قوانین فقه و شریعت و احیای جامعه دین محور نیست ثالثا از دین تعبیری اخلاقی آن هم اخلاق این جهانی و انسان گرایانه رابعا از تکثر دینی



و سیاسی استقبال میکند و بالاخره اینکه دین را برآورنده نیازهای معنوی و اخروی انسان می داند و معتقد نیست که با تاسیس حکومت دینی و ایجاد جامعه دینی ، لزوما رفاه مادی حاصل میشود

**اسلام سنت گرایانه :** عقل استدلال گر را فقط ابزار کشف و استخراج حقایق کتاب و سنت می داند ولی آن را منبعی در کنار این دو نمی انگارد و این شان اخیر ( منبع شناخت ) را فقط برای عقل شهودی قایل است که پشتوانه حجیت و اعتبار دین است . اگر دست به تاویل کتاب و سنت بیازد بیشتر به حکم عقل شهودی نه عقل استدلال گر ؛ و از این حیث ، عقل گرا ، آزاد اندیش و تعبد گریز نیست . ثانیاً اسلام سنت گرایانه ، تجربت اندیش است و تدین را بیشتر نوعی سیر و سلوک باطنی و معنوی می داند که رعایت دقیق احکام شریعت و فقه ، شرط لازم ولی غیر کافی در توفیق آن است ، بر اساس این برداشت از اسلام ، شریعت و فقه نه هدف که ابزار سیر و سلوک باطنی است ، از اینرو فقه و شریعت نه غایت است و نه قابل انکار . رابعا طرفداران اسلام سنت گرا در صدد تاسیس جامعه ای شریعتمدار و مبتنی بر فقه نیستند بلکه بیشتر در پر آند که در سطح عموم مردم اخلاق مدارا ، مروت ، آسانگیری ، بر دیگران و سخت گیری بر خود رواج یابد و انسان ها بر دیگران نپسندند هر آنچه بر خود نمی پسندند از نگاه سنت گرایان ، جامعه باید به گونه ای باشد که نخبگان و گزیدگان ، یعنی کسانی که استعداد سیر و سلوک باطنی و معنوی را دارند ، بتوانند این استعداد ، قوه شانیت معنویت گرایی و استعلاجویی خود را به فعلیت و تحقق نزدیک تر نمایند

خامسا اسلام سنت گرا مانند اسلام تجدد گرا از جدایی دین از سیاست ناخشنود نیست و حکومت های غیر دینی را چندان مانع و مزاحم استکمال فرد و جامعه نمی بیند سادسا سنت گرا از تکثر دینی و سیاسی استقبال می کند ، از نگاه برخی اندیشمندان این تعبیر ، ادیان در مرحله ای متعالی ، هدفی مشترک دارند و بر همین اساس می توان از وحدت متعالی ادیان سخن گفت سابعاً اسلام سنت گرا یا تعبیر سنت گرایانه از اسلام ، دین را فقط برآورنده نیازهای معنوی می بیند و اصلاً اعتقادی به این ندارد که دین وعده تحقق بهشت زمینی را داده باشد و بالاخره اینکه اسلام سنت گرا با فرهنگ مدرنیته و تعبیر آن از مفاهیمی چون فرد ، طبیعت ، خدا و هستی ، تنافر جدی دارد و معتقد است که در جهان مدرن ، فضیلت های سنتی انسان ، تخویف و ترضیع شده است ( ملکیان ، ۱۳۸۰ ، ۹۷ )

این روایت مصطفیٰ ملکیان است در تحلیل انواع رویکردها به اسلام به ویژه در مواجهه با مدرنیته ، البته در پایان نامه مفروض ما این است که سید حسین نصر سنت گراست اما در فصول بعد خواهیم دید این تفسیر استاد ملکیان تطابق مطلق با اندیشه های سید حسین نصر ندارد ، اما در یک تفسیر کلی میتوان نشان داد که اسلام نصر اسلام سنت گراست و اسلام شایگان اسلام تجدد گرا

## ۱-۲ اهداف تحقیق

نخستین ویژگی صوری سنت سیاسی ما ، گذشته گرایی و مشخصه تکرار پذیر آن است ، تکرار البته مفهوم زمان را تداعی میکند و یا عین زمان است . سنت چیزی است که در ذات خود بعضا ملازم کنترل زمان است ، میتوان گفت که وجه غالب سنت جهت گیری به سمت گذشته است و چنان ساخته شده که نفوذ عظیمی بر سازمان دهی حال و آینده دارد ( فیرحی ، ۱۳۸۹ ، ۴۰ )

علاوه بر این مشخصه سنت ها رشد و توسعه میابند ، سیاست را تحت تاثیر خود قرار میدهند ، قراردادهای اجتماعی تازه میافرینند ، در برابر تغییرات مقاومت میکنند ، زبان و قواعد متناسب خود را دارند و در دامان خود ایدئولوژی ، ایدئولوگ ، روش و بینش و رویکرد و رهیافت میافرینند و برای خود متولیان دارند

به یک معنا سید حسین نصر به شکل ویژه و داریوش شایگان را به معنای کمرنگ تر میتوان متولیان سنت دانست که نصر یک سنت گرای تمام عیار است و البته داریوش شایگان کسی که فقط به احیای سنت به عنوان امر متعلق به گذشته باور دارد

این تحقیق در پی آن است که با واکاوی اندیشه سیاسی سید حسین نصر و داریوش شایگان دریابد این دو اندیشمند ایرانی بر چه معنایی از سنت تکیه کرده اند و بر اساس این تفسیر ، آیا سنت خصلت بازگشت پذیر خویش را بیشتر نمودار میکند و یا فقط به عنوان یاریگر در کنار هویت کنونی ما باقی میماند ؟ خصایص ماهوی این سنت چیست و بر کدام مبانی و مفروضات معرفت شناسانه ، هستی شناسانه و انسان شناسانه استوار است ؟ در پی این پرسش ها این پاسخ رخ مینماید که نصر و شایگان به تفسیر جهان قناعت کرده اند و آیا به تغییر جهان نیز اندیشیده اند ؟ آیا سیر تفکر آنان تطوری نیز طی سالیان داشته یا اینکه تمام این سالها بر یک منهج میاندیشیده اند ؟

پژوهشگر این پژوهش مشتاق است که بداند تاریخ و جغرافیای سنتی که نصر و شایگان از آن سخن میگویند کجاست و آیا آنان به تاریخ و جغرافیا برای سنت قائلند و یا سنت در نظر آنان فرا زمان و فرامکان است؟ و مهمترین پرسشی که مطرح است این است که در برابر انسان ایرانی به طور خاص و انسان شرقی به طور عام این دو اندیشمند، چه راهی مینهند؟ آیا واکنش های آنها در برابر مدرنیته فقط واکنشی سلبی است از رنجی که میبریم یا آنکه عالمی دیگر و آدمی دیگر را به عنوان جهان مطلوب معرفی میکنند

### ۱-۳ سؤال و فرضیه

- سؤال اصلی پژوهش :

اندیشه سیاسی سید حسین نصر و داریوش شایگان در بردارنده چه تضمینات سیاسی در مورد سنت در نسبت با مدرنیته است و این دو اندیشمند چه راههای عملی پیش روی جوامع شرقی از جمله ایران میگذارد؟

فرضیه اصلی پژوهش :

اندیشه سیاسی سید حسین نصر مبین نفی کلیت مدرنیته و دفاع از سنت عموماً بر مبنای آموزه های وحیانی است و نصر دعوت میکند که با زوال مدرنیته جوامع به سوی سنت بازگردند. اندیشه سیاسی داریوش شایگان متضمن قرائت بشری از مفهوم سنت و تکوین هویتی سیال است و دعوت میکند که مدرنیته به عنوان پویاترین میراث بشری برای سامان زندگی جمعی پذیرفته شود و از سنت برای پرداختن سهم روح در زندگی فردی بهره گرفته شود

- پرسشهای دیگر

- نصر و شایگان با چه تعریفی از سنت به رویارویی مدرنیته رفته اند

- معرفت شناسی، هستی شناسی و انسان شناسی دستگاه فلسفی نصر و شایگان چه رویکردی در قبال سنت دارند؟

- نصر و شایگان چه آفاتی را گریبانگیر نظام های شرقی و ساختار کلان فکری این جوامع میدانند؟

- آیا این دو اندیشمند ایرانی وضعیت کنونی را به عنوان یک وضعیت معتبر مقبول می‌شناسند و اگر پاسخ مثبت است جهان کنونی ما در نظر آنان چه مختصاتی دارد؟  
- نصر و شایگان چه راهی پیش پای جوامع سیاسی شرق به معنای عام و ایران به معنای خاص می‌گذارند؟

#### ۱-۴ مدل و روش تحقیق

این پایان نامه در چارچوب نظری تحلیلی - تاریخی در حوزه نظریه های سنت و مدرنیته صورتبندی نظری شد، بدین طریق که ابتدا روشن شد که برای شناخت مفهوم سنت لازم است معنی آن در نسبت با مدرنیته در دستگاه فلسفی نصر و شایگان روشن شود و سپس از جهات معرفت شناسی، انسان شناسی و هستی شناسی موضوع واکاوی شود.  
بر این اساس کتب، مقالات و مصاحبه های تخصصی که تصور میشد برآورنده این نیازند بررسی شد و در نهایت کوشیدیم انبوه مطالب و نظرات را به نحوی تفکیک کنیم که تصویر روشنی از مفهوم سنت در دستگاه فلسفی این دو اندیشمند روشن شود.  
سپس مفاهیم احصاء شده در مفهوم سنت در یک بررسی تطبیقی در برابر هم، تصویر روشنی از دو رویکرد و رهیافت را روشن و نمودار کرد

#### ۱-۵ تعاریف عملیاتی واژه های کلیدی

سنت:

فرهنگ فارسی معین سنت را راه روش، سیرت، طریقه و عادت معنا کرده است، اما در این پژوهش سنت به دو معنا مورد نظر است یکی سنت به تفسیر سید حسین نصر که عبارت است از حقایق یا اصولی درای منشاء الهی که از طریق شخصیت های مختلفی معروف به رسولان، پیامبران، اوتارها، لوگوس یا دیگر عوامل انتقال برای ابنای بشر آشکار شده و با به کارگیری این اصول در حوزه های مختلف اعم از ساختار اجتماعی و حقوقی، هنر، رمزگرایی و علوم همراه است و البته معرفت متعالی، همراه با وسایلی برای تحصیل آن معرفت را نیز شامل میشود ( نصر، ۱۳۸۰ الف، ۳۵ )